

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوششنامه

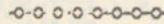
هیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۴

۲۰ شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

((سیاست زبان))



« سیاست زبان » عنوان سرفاله شماره ششم، به یاد گذار است که پنجم آثای انبیا نگارش یافته و روزنامه اطلاعات از لغت آنکه « یک بحث ناملا » درباره یکی از مهم‌ترین موضوعهای روز آرا در شماره ۹۷۰ روز ۳۰ رومبه هم بهین ماه خود نقل نمود است. ما نیز همان عنوان را برای سرفاله خود انتخاب نموده و دو فیصل آن، نگاشته که بر آثای انبیا پوشیده بوده و بر هر خود پوشیده داشته اند در اینجا ذکر میکنیم و امیدواریم آرا در رضائاتی آینه خود مورد توجه قرار دهند.

امروز در یک قسمت از این سیاست زبان صحبت میکنیم و آن قسمتی است که به سبب مربوط می باشد و علت توضیح ما نیز این است که آثای انبیا در مقاله خود دو قسمتی که مربوط بگرد است، حق مطلب را ادا نکرده اند. شاید ایشان از روی ملاحظه و آری که برادران کرد ایرانی خود داشته اند لغوات اعموم و لغوات خاصه که باید بود شکفته و یا شاید اگر بیشتر در مطلب وارد میشدند ناچار برای آنها هم مطالب بردارند از زبانانی که هنوز متراکی (و یا آن طبع که بهتر میباشد و سهل تر تکلم میکند) زبان فارسی ترجمه نموده و برای ما مانده و تکلیف بر کسی در گورستان و بحرین و جزایر خلیج « حتی قائل میشدند و موافقت میفرمودند که با آنها اجازه دهند » در مدارس سالی معین زبان محلی خود را به اطفال خویش بیاموزند.

نگارنده بهتر آن مقاله « سیاست زبان » و سایر خوانندگان ارجمند میخواند اطمینان داشته باشد که نگارنده این سطر کسی است که اگر از آنها ایرانی خالص تر و پاک تر نیاند فلما بایک تر نیست و همین اصل است که اجازه میدهم آن گفت نامرئی مقاله آثای انبیا را در اینجا عکس سازد.

آثای انبیا برای اینکه زبان کردی را لهه ای معرفی کرده و در طرفه سندی « سیاست زبان » خود دچار دست نشوند مرقوم فرموده اند:

« در البته ولجانی که در ایران ممول است و هر کدام صدای کم و بیش متکلم دارد به یک دسته لهجه های ایرانی مثل طبری و گیلکی و لری و کردی و غیره رفته و دیگر زبان های ایرانی است یعنی هر روز که لهجه های رفته اول چون هیچ کدام ادبیات منبری ندارند و هیچگاه نیز زبان دولت معتدلی برود امروز هم در خارج از مرزهای ایران دولتی معتدلیست که یکی. آن لهجه ها زبان رسمی او باشد دولت سیاست خاصی نسبت با آنها نیتواند داشته باشد ...»

جای بسی تأسف است وقتی که یکی از دانشمندان کشور قلم بدست گرفته میباید در یک مسئله مهم اهتفاتی کند از منکر شدن بدیهیات شروع کند و در موضوع روشی مانند ادبیات کرد مثل یک خصی بی اطلاع اظهار نظر نماید. برای اعتبار ادبیات و زبان کرد مدارک بسیار است، تواریخ، دواوین و کتب معتدله زیاد است ولی برای اینکه لحست نگارنده محترم زیاد نشود، که کتب را در کتابخانه های «میر» جستجو نماید از ایشان تقاضا میکنیم: شماره گذشت روزنامه ما و همین شماره، به ترجمه « برسد در شعر و ادبیات کردی » که نویسنده آن پیکرنگر فراسوی و احضالی طرف است (زیرا نیتوان گفت دعوی استقلال کرد داشته است) نظر آنکه دستاورد شونده که ادبیات کرد افلا اعتبار کوچکی دارد.

اما اینکه دولت سیاست خاصی نسبت به آن نیتواند داشته باشد، بنده ما این اظهار نظر زبان آور تر از منکر بودن ادبیات کرد است و بالعکس ما معتقدیم که دولت باید در این مورد سیاست خاصی داشته باشد. سیاستی داشته باشد که با

چشم باز، با بررسی کامل اطراف و جوانب و با اطلاع از جریان روز مره نواغ پیش گرفته شود.

امروز در قسمت غربی ایران همه زبانی کردی تکلم میکنند « باین زبان ولاته دارند، شاید این علاقه هم به علت فشار های زیاد، برای محدود نمودن آن تشدید شده باشد. شا با هیچ قدرتی نتوانند این علاقه را از آنها سلب کنند. آن شماری که بگذری شعر میگوید اگر بکنج زندان افکنده شود مخالفان شا را بصورت شعر در میآورد، اگر پای داریش برید مرکز را با یک شصت کردی استقبال میکنند.

شا فراوش آنگونه که در آن طرف سرحدات غربی ایران ما هم مردمی هستند که از هر حیث با این مرز نشینان غربی هم خون، هم نژاد و هم زیاده. آن ها هم کردانه و حتی همه از آن ها از افراد یک خانواده - یک ایال یا یک قبیله اند. این ما هیچ وجه جدائی ندارد، بلکه ندیده هم بیکدیگر دوست دارند و هم دیگر را برادر میدانند. آن ها ظاهر تابع دول دیگرند و بنام ملل میکت یا سلاک دیگری خوانده میشوند ولی در باطن کرد هستند و خون کرد در ورشان در حرکت است.

یک کرد ترک خود را ترک نیتواند، یک کرد عراقی خود را عراقی نیتواند اگر برسیه کجائی هستی یا خواهد گفت کرد و با خواهد گفت کرد ترک، کرد عراقی - ولی اگر از یک کرد ایرانی همان سوال را بکنی به شا جواب خواهد داد ایرانی.

این است آن نکته ای که شا، آثای انبیا و بسیاری دیگر نگوییم همه (روشنگران و سیاستمداران ایران نیتوانند و از همین نکته سکویک است، آثای انبیا) اگر شا وطن پرست و ایران دوست باشد نیتواند استفاده کنند.

چین به اینکه، کردی لهجه است، مشتق از فارسی است ادبیات منبری ندارد ... حرف های کودکانه است و آنها بیکه بندهم شا و اشل ما بیچاره هارا باز بچه قرا دادند این همه اطلاعاتی و با چین ما میفرستند این حرف های بچه گانه برای بر کردن مذمت روزنامه و مجله و بفر برای افکوش کردن و با بهتر بگویم فریب دادن دشمن، بدرد دیگر نیفورد.

باید بین را کنار گذاشت، باید حقیقت را گفت اگر چه تابع باشد، زیرا تا واسه تلویزیون ما صحیح را نگویم جسته از دوس میترسیم، از انگلیس میترسیم، از امریکا میترسیم از ترکیه هم عراق هم میترسیم و از خودمان هم میترسیم پس دیگر برای چه ندهیم حشمت؟

چرا باید همیشه فکر کوچک داشته باشیم؟
چرا همه اش بر سریم سباده کردستان از دست ما برود از ترس هراتی اشل، « یکدهم معقن لای مفرش که دروازه تلویزیون تدویر حقایق تاریخی میکوشند و مدعیند کرد لرستانی معصوم و با ایرانیان از بچه دانشمندان و فزیک لاندن برادران کرد ما را متوب کنند و در راه وصول بنامه قومی که دارنده از این رهگذر دین و مشکلاتی سیاسی برای ما ایجاد نیتواند» برشته خبر برد آوریم.

چرا نگوییم، ما باید ایران بزرگ را بپا کنیم؟
باید صحنه ۸

خبر های کشور

اقدامات نخست وزیر

پس از صدور فرمان نخست وزیری آقای توأم السلطنه اقدامات اساسی خود را برای برقراری مذاکرات مستقیم با طرف شوروی آغاز نموده و با در نظر گرفتن نتیجه مذاکرات روز چهارشنبه شورای امنیت بودی ملایرا تادوسکو و توران آغا زاده گردیده

آقای توأم السلطنه هنوز راجع بکنایت خود تصمیمی اتخاذ ننوده و نام کنیه اشخاصی که برای شرکت در کمیته ایشان برده میشود نمیتوان مینی بر اساس دوستی دانست.

تنگرگات آقای توأم السلطنه به ژنرال ایسم آتدین و مستر اتالی و مستر نیس ایوداری معائنات معائن است.

نایب کاسی که آقای توأم برای نداده بود و در جواب بیستامیکه از طرف نخست وزیر بآنها داده شده بود شروط موافقت خود را بشرح ذیل اعلام داشته بود:

- ۱- تشبیه طرح تقصیر ایران دوشورای امنیت سازمان ملل منق
- ۲- اقدام توری دولت برای خروج برهاری بیگانه و استقرار امنیت دوشمال ایران و توجیب ارتش
- ۳- بقای قانون تحریم انتصابات
- ۴- تأمین مسئله امنیت توران

دولت در نظر دارد بی هیکت نمایندگان عالی مقام و سبک و او را درام دارد

آقای باسکران پست وزیر معارف ایران در اظهار انتقاد و ارگمان ایشان که توأم سلطنه است

اخبار گوناگون

تعمیل لستی از راه آهن که کوردوست مامورین شوروی بود در این هفته انجام شده

آیت الله ۲۵۱ - آقای حاج شیر دیوان ۷۴۲ و آقای وکیل السلطنه ۲۱۶ سال اکثریت گردیده اند

ازگر هاشم

در روز همداز وصول تلگراف مرکز شرف برای طرف استانه از طبق ۱۴۰۰ قانون دعوت شده که با چهار نفر از این اشخاص اکثریت ووشفکران و حزب توده سخت مخالف بودند. هزماه حزب توده در مجامع سخنرانی های مفصلی بر علیه این انتخاب نمودند

خوشبختانه آقایان هم که بیخ نظر آنها داوطلب انتخاب بودند از قبول حکیم دولت انقاد ۹۷ نفره برخلاف ماندن ۱۸۰۰ صادر نمودند. سرروز به هم هر قدر تکاپو کردند تمهیدات از طرف هکایک به خطر آمدند شده بود بدست نایب انداکریر رئیس انجمن تطهیر انخابات را اعلان روز به هم استفا کرده چند روز پس در استانه ای قریب ۳۰۰ نفر از وجهه اجزای اهالی دعوت شدند که بجای خود مستحق بکنکر برگزیده بودند

همداز ووجهه نهای مذاکرات تصمیم اتخاذ شده در نظر از افراد حزب توده انتخاب خود آقای منجیر ابوالحالی فوراً استفا کرد تا از این جهت برای اسناد و ارتکالی حزب نیاید

چندی است آقای امیر اردلان به کفالت بخشداری منصوب و آقای زند شاهی بخدا به در ستمه رفته است

وضع اداره اقتصاد هاناطور هرچو مرجع و رویه سابق ادامه دارد. بخش از فقه سجاویدارالی تحویل شده

فرهنگستان در فرودگاه تونون هچستان بلات رسیدن وجه دو مضمونه است

سببه شکر و سببه شکر چای شهر بورما تاکنون داده شده است و سببه شکر نادر خان زاده چندی است به کشور ایران آمده و در بوکن میباشد

وضع اداره اقتصاد هاناطور هرچو مرجع و رویه سابق ادامه دارد. بخش از فقه سجاویدارالی تحویل شده

فراموش نکند اقراچ

مفاره دزدان

خودانگهی بهادر دارند سه شصت یازده شاره و زوانه کوهستان فستی از زمان «مفاره دزدان» از نظر خاص گشته چون میوهام بیخه را نیز بتدویر از این شاره میم پ کتیب لازم دانستیم خلاصه ای از آنچه تا حال چلی شده بدوا تکرار نموده سپس بجایب با آن برداریم

هراس کلوا دوازده گگی بکنواخت در شهر لابل شته شده با مادر خود بصدگ کردش بطرف شهر سناتی روی نهاد. در میان راه بیسافراغنه ای رسیدند. از در فکه شخصی خود پیاده شده و در هنگام پیاده شدن پیران ابطالیایی سرشوردند که هراس باورشاش بود و رئیس مهمالجا قیانه زنده ای داشت که موجب سوره طن سافرین شده از این جهت راه سناتی را پیش گرفتند. در بین راه همود میوهام بکفته زامهن واقع شدند و مال و اثاثی شان غارت رفت. رئیس دزدان ماشو نام داشت پسرش اتو بدست نیروی دولتی اسپر شده بود برای خلاصی پسر خود هراس و اثامم گروگان نگاهداشته مامورا برای نیات دادن اتو بشیرش کت داد. از ترکیب یکی از دزدان بود که مامور هراس شد که بجای منزله دزدان سرکش داده. بیز بیعی دیگر از دزدان بود که سخت با هراس مخالف بود

هراس پس از چند ساعت که در میان دزدان بسر برد دبه شخصی وارد لغار شده، مواتشو از پسر خویش از او سئوال نموددی او اظهار بی اطلاعی کرد

هراس فوراً ضمن کت تازده وارد او شناخت که همان کسی است که در هنگام پیاده شدن همود بر شاخش واقع شده بود. ناشر را دلیلی وحدای خوبی داشت

واقفیل از رفایع هراس از برادرش آرتیکو پرسش نمود هراس از حالت مضطرب او بی بردگی وی چندان موافق با برهمنان نیست

شرح مختصر و گوناهی واقفیل و هراس در مطلع ساعت اعطراش را فرستادند پس از آن چند سئوال دیگر از آرتیکو نمود و او در حالیکه مکان هراس را نشان میداد. بدان پرسشها جواب میفت

هراس دیگر معطش شد که واقفیل در مهمانانته هراس راه یاو از راه دوستی صحبت کرد. وضع سولی ندانسته اتو از اینان که سخنان موخری را وارد بود سخت نادم و پشیمان شد

واقفیل تکه نای از جیب بد آورده پسرعت مشغول خوردن آن شد

ماتشو رو باور کرده گفت: بابل، من میوهام یکی از آواز های ترا بشنوم. بیکه مانند کلافی صدا میکند و آواز پتروم می شبامت بجزیر جبر سمرکند است. دو حقیقت پده از مرگ مارکو ما هیچ آرزوهای تو نشنیده ایم

واقفیل چندان مایل بخواندن بود مبعیلا نخواست که از اطاعت فرمان رئیس خود سرپیچی کند تاو خود را برداشته مشغول نوشتن شد

در این وقت بیوبا عدای بلندی گفت: بابل، بیکو تشنیف های استادیوری را بخوان من آنها را خیلی دوست دارم

گفت: من خودم هر تشنیفی که بخوامم خواهم خوانم و خودم آنگاه از انتقاد بکنیم

پترو با صدای ضعیفی گفت: بیکه خودم غیر از دزدان بجزیر دیگر ندانم و از راه و امالی بشنودچی گفت بلی تشنیف من هم از اشخاص دیوانه و مردان سفیه صحبت میکند

ماتشو در حالیکه پیش را در ووشن میکرد سایر دزدان گفت شوا دیگر ساکت شوید سپس رو به واقفیل کرده گفت: بیسار خوب فرود شو بابل

سکوت کاملی برقرار شد و امالی در میان آن شروع و بازشن و خراشند نمود

تشنیف امالی اینتا از پرسی حکایت مینمود که پدر خود دشنام داده و کافه دوشو را که بر او فرستاد در آتش انداخته خود میوهام پرسش دوشو را که مردی کرد که ادرتی بزورگی را در کرده بود پده از آن از جنایت کاری صحبت نمود که دوروز قبل از هاداش نامهای که دالی برهلو او بوده پاره کرده بود

ماتشو در حالیکه پیش را در ووشن میکرد سایر دزدان گفت شوا دیگر ساکت شوید سپس رو به واقفیل کرده گفت: بیسار خوب فرود شو بابل

سکوت کاملی برقرار شد و امالی در میان آن شروع و بازشن و خراشند نمود

تشنیف امالی اینتا از پرسی حکایت مینمود که پدر خود دشنام داده و کافه دوشو را که بر او فرستاد در آتش انداخته خود میوهام پرسش دوشو را که مردی کرد که ادرتی بزورگی را در کرده بود پده از آن از جنایت کاری صحبت نمود که دوروز قبل از هاداش نامهای که دالی برهلو او بوده پاره کرده بود

پلم آماي منهنس کودوزی تیروی

دیادار هفته پیش

هنه عیب
در بیان مشکلات تازه هین سال اروپا امروز هم مانند بیست و چند سال پیش حل مشکلات سیاسی و تملیه خورد حساب های قدیمی شکر فزین شده است که در برابر پاکت کن سازمان ملل خودمانی می کند.

چیزی هستی است که هنوز همه گفته فکر می فرمایند از پشت حینک عیب خود دیارای بهمان نظر به اینکه بیست سال پیش دیدمان هنوز هم روزی از ایستادگان در حوض عیب بین المللی و نیز به همان سابقه خارج خودمان ملایبی را پیش میگرد که در ۱۹۶۹ ملی کردند و نیز بهره بردند و هنوز هم بشی از سیاست های زورک جهانی باروشهای مغرور متضخ خودیای میفرمانند دولت کوچک و سیاستمداران بلا اراده و فراموش آهنگارها (ملی) و استقلال) بروست سومی و باز چه خود گفته و بدیال خود کشیده و همان راهی را بروه که خود دیگر حق فرغی نرفته اند اگر اشتباهات گذشت درس و پند عبرتی برای امروز باشد.

اگر برای تیروی نظامی صلح است که نتایجی انبره ایس گردد.

اگر به معنی اقبال قدرت جنگ و مغرب قایتت با سورتور ماسک دیگر برای اردو کرد در جهان آشته و خو جنگان ملی بلوه کند.

اگر تمام روزهای غرض آیتنه بدین سرباید بیورد دیارای با بهترین و جوان سوزنین و تلقای مواج و وریور کندا که معاضل تعصبات غوراه انت و سازمان ملل متیق جزئی غ آزادی اونی باشد.

دنیای نو که نت وجهت آیتنه کی خواهد بود با آیتنه که از تنه مسکن است باقی بماند و مصلی که باید پایدار و جاودان بماند به شکل در خواهد آمد

مغای شورا امنیت
خورا عایتت ورنه چیده اخیر خود باستانه ایران و در فضیبه اندوزی و یوران مواج شده.

منته آذوبانجان لغتین مروضی بود که به پشهاد میسوا کین مطرح و تعصیب شورا میسوا اذگرات بر موش و غرض میان شده که ما بوقع خود کنیم و راه چاره و ضمیرا مذاکرات کنیم فوجا بیروآ لیم در خارج نورا دانستیم بطوریکه پس از یکساله نالوک و گشتگهای شدید و داغراش کاتیف سیاسی تالار ابرج (روس) پایانه از تیره نموده بود خوراه ایستور و نریندراد که دولت ایران و غوروی باید مستحیا برای ملی فیه بیان میگردارد مذاکره شونده و هر کس به از خانه ملل مذاکرات آنها میسوا به نتیجه مثبت رسید که امرای یکی از طرفین منته

در خورای امنیت مورد وسیعگی فراد غرامه گرفت
و در باره قضیه یوران پنچمن چله شوره منسرا این موضوع رسیدگی کرد و رفیق و پیشینگی اظهار نمود که تیروی انگلیسی در یوران نه تنها امنیت و حفظ نگردد اند بلکه موجبات ناساها نیز فراهم نموده اند و بیا به هر چه زود تر این نمود ها خارج شود.

یون رو نباشند یوران باطن سرد و التماس آ میز خود خورار انوجه بدین تک نموده که توفقه این تیرو با وضایت کامل ملت یوران است.

فرانکو یزودی باید فرود
مذاکرات اخیر کنفرانس کارگران پاریس و تصمیم ۱۷ ژانویه میلی موسان فرانسه با اظهارات بیاننده شوروی در مورد فرانکو بخصوص تصمیم اخیر نمایندگان جیو دیخواه امریکا و مسافرت دون ژوان که از راه لندن ا بلژیون عبورده با یک سلسله عوامل سریع و رومج این نظریه را که در باره فرانکو باید برود تأیید میکند. بنابراین فرانکو ماندنیار معضل موسمی هنوز بحالیتهای کیفی معهود خود برای گول زدن و فریبش آزاد میخواند. جهان ادامه میدهد ولی مساطور که سرچجا دولت امریکا اظهار کرد و جهت های امروز اسپانیا هرگز جبران مغالطت های دیروز آنرا نخواهد نمود و فرانکو دیر بازود رفتی است.

سر نوشت نلسطین چه خواهد بود؟
از ۱۹۳۳ که هیترلر بهود بهار امبور بزرگ آلمان نمود و بیشتر از ۶۰۰۰۰

بیودی اروپایی را بی خانمان نمود میل بود و سرما را با نلسطین روی آورد شد و در برابر شله نرت و کینه اهراب نیز از این مهاجرت همه آذواره زبان گرفت. جهان عرب با عیبی مطلع بودند که یهودیا همیشه ملانند و مدته با چای بدت میهن مستل و آزاد بود در بیان اشتیاق به استقلال راضی از ۹۰ سال قبل از میلاد که شیر یهودی را افشا کردند در سر میرو و یاده اند کنورهای عربی که نلسطین از چه خود میداند با قیده ملی که تشکیک یک کسرا بسون نلسطین میباشد جدا مصلد بود و این نرت و اثر چینی یعنی است که تصور تیرود از

مردی سه یوانت (۱) دهوی
بیره کردستان عزیزم که تو سه ارنات دهوی بسته به منته قابل اگر کز لاری کویستانت دهوی سه بری نه و خیشانه که بشینتو داوینی چیا بچینن بو مالی کورودی گرتو خویشانت دهوی بت بهم پای طائی لای سربیا و وسو بزرگرتت ییت نشان دهم صد هزار آثار ساسانت دهوی آری صاف و روشنی داوینی چشایی چیا لری نوشده دم بدم کز آری حیوانات دهوی لاری کورودی من، لمر که شالی زاخو آمیدی کز توفده چانه له و منگی شالی کرمانت دهوی هاله گشتی بیسین و کولزادی کوردستان که کزله بوددی دهو د رونت داوده رمانت دهوی روح ومالت صغری ویکدی ملت کدوه کم کزله خوالمقی هسیم وجود و احسانت دهوی ای آفری هینه هشت ملتی کوردت ههه بشری لا واه قبری دکری سه یوانت دهوی این غزل را آفتی بدات رضائی کهراریکان غرب و آفتی غرضی از ستر ارسال دادنته.

(۱) تم قبرستان ای در مسایه.

قبر یک
اتحاب جناب آیتاله دکتر میریسه حسن امامی بست امامت همه تهران، موجب غرغنه ای صوم و روشنگران بو، علاقمندان دوستان ایشان گردیده اینجا بان نیز بدینوسیله تبریکات صمیمانه خود را تقدیم میداریم.

دکتر عبدالعزیز اردلان - دکتر هوشنگ طائی
دانشجویان کردستانی دانشکده حقوق مراتب مسرت خود را از اتحاب جناب آفتی دکتر میریسه حسن امامی بست امامت همه تهران ابراز و بدینوسیله تبریکات صمیمانه و حضور آن جناب تقدیم میدارم.

همی منته و زیری - هادی شیخ الاسلامی - عزت الله شجاع اردلان - مهدی منته و زیری - هادی منته و زیری - پناه شجاع اردلان - مهدی شیخ الاسلامی - مهدی نظیر اردلان - فریدون ظفر اردلان.

تذکر
اطلاع میرسد که اشرا کافشاهی بنط های ناشناس منته بر گزارش های بی اصل از طرف اشخاص از کردستان بناماتی نوشته شده و میشود لازم است مقامات کی این قسم گزارش ها را در ابوابت میدارند متوجه حقه با زیبایی این اشخاص باشد.

کیتنه مسط انگلیسی و امریکایی که از راه برن و وین و پدا با نلسطین و کسینت و تصمیم اخیر کاتنه انگلیس در تاریخ ۱۰ ماهی ۱۹۵۰ فریبود با نلسطین مهاجرت کند. نتیجه گرفته شود.

گرهستان

کلید خود میانه است

از روز نامه «اوربان»
چندی قبل میبه «تایم» دوساره
و نواح آذربایجان مقاله ای انتشار داد و
دروغش آن نوشت:
ترکیه و عراق دارای اقلیتی از اکراد
میباشند که همیشه باعث تگرایی آن ها
میشود.

هیچ اول الدول مذکور میل ندارند
یک حکومت نابودایت ملی کردرد
مساهیگی کشور آنها تشکیل خود.

اسر و موضوع کردستان و کردپورد
توجه واقع شده و موموتای دربارم نوینت
این نامه بدست میامد.
کردستان شامل ناحیه ایست ما بین
دره های سیاه و علیق فارس، قبل از چنگل بین
اللیل اول این ناحیه بین ایران و ترکیه
تخصیص بود و تنها اقلیتی از اکراد در
روسیه وجود داشت.

اکراد به ۸ تا ۹ میلیون نفر بالغ
میشوند و از زاده همدن اروپایی میباشند
و اکثر مسلمان و سنی مذهبند فقط عده
خیکی که از آنها دارای اکتیش مسیح
میشند.

اکراد که دارای اتحاد فکرتند.
بسیری هستند و قدمت آن ها را تا هزار
سال قبل از میلاد مسیح میین کردند و
مقابل تمام اقلهاتیکه برای تحلیل آنها
شده مقاومت بفرجه داده و تمصب ایلی
قوم سریند سر رشته چنگهای دائمی میان
اکراد و دول مصطف شده است.

دراواش چنگ بین اللیل ۱۹۱۶ -
۱۹۱۸ اکراد توانستند اندیشه استقلال
موا بلیغ خود را بدستورند بیان «دور»
که در سال ۱۹۲۰ با یخوردن پاشا اکراد
پاشا سردار و زوال فریب یافتند
آنان مخالفت اکراد را بیعت رساندند
موا ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ این بیعت
وجود یک حکومت کرد مستقل را بیستاد
کرده بود.

از پیمان «دور» تا عهد نامه «لوزان»

کردتای مصطفی کمال پاشا امپراتور
هارا میدلیاس کرد زیرا دواتر اکراد
مید نامه «دور» ملی شده و بر همگی
پیمان «لوزان» در سال ۱۹۲۳ کله این
مواد و قرار دادها را باطل ساخت و در
حقیقت چنگ بین الدول کردستان را بی ایران
وروسی و ترکیه و عراق و سوریه قسمت
کرد ولی «کرد» نیبایستی میچولتند
تمت تسلط فرابردرد بر اریکا تکان
بر او درآید و پایبندیت در حق و ترکیه
افتشاهات بی دوی بشود رسید.
«در ترکی» «خیچ مید» در سال
۱۹۲۵ پای و ان خودسلسله چنبارا اقلای

شد و تا دیار بکر چار رفت، در همان موقع
شورشهای مسلحی نیز بره اکراد و بره های
دولت خاص و خ داد ولی متاسفانه قندان
تکلیات اساسی و بزرگ عدم وحدت -
نرماسهی این اقلایات زود خنماوش
شد و فرودخیان بطرز فحیمی از بین
رفتند.

مسکبه مخصوصیکه در دیار بکر برای
این امر تشکیل شد ۸۰۰ نفر را محصور
باهدام کرد.
چند سال بعد، در سال ۱۹۳۰ انقلاب
میددا شروع شد و یکی از راهای کرد
«احسان نوری» در ناحیه «آرداغ» داغ
سرسله، جنینا شورشیان شد، چنگ های
سنی در گرفت و اکراد که قافله تهریزات
و تارکات کافی بودند، مجبور به تفرقه
شده و بکوهها و نواحی صوابالمورناهی
«سوسوم» و «دوروم» پناه بردند و تا
سال ۱۹۳۸ چنگ های مسلحی ادامه داشت.

انقلاب «پارازان»
دوره ان اول انقلاب در سال ۱۹۱۹
وخ داد و ابتوتق لبرازا «آد پینار» (دور)
بود و مسیایمان آن «شیخ مسعود در زنی»
بود که در دوران «پارازان» چنگید و سر-
انجام تسلیم انگلیسی شد و بیوان مقصر
سیاسی بندوستای تکبیدت ولی در سال
۱۹۲۲ میددا بران باوکت و در -
کردستان جنوبی در اکت دستملی با
مواقت مقامات انگلیسی تشکیل دادولی
ان دولت ذری بر جای ماندند.

در سال ۱۹۳۳ انقلاب جدیدی بدست
«شیخ احسان پازان» در ناحیه پازاران
وخ داد که در ۱۹۳۴ با پان پلریت و
مذاکراتی بین اکراد و دولت عراق واقع
شده که لوزا انگلستان دو آن ذی مدخل
بود.

سران انقلاب حاضر شدند که در
«کرکوک» و «سایه» اقامت گزیدند
و بدین ترتیب تا سال ۱۹۴۳ در این ناحیه
ساکن بودند.

«نوری مید» که بیثوری انقلاب
میل کرد آنگاه بود با سیاست مدیرانهای
ولی خاص سر دین اکراد پیدا کرد اما
پارلمان موافق پارتنی سیاسی او نبود و
ملا نوری مید ناچار کنار رفت
و شخص دیگری را بنام «حیدر ابا-
جایی» را که دشمنی خاصی با اکراد داشت
بجای او بر گزید.

در این موقع «ملا مصطفی» برادر شیخ
احمد پازاران رئیس طایفه شد و وی در
۱۵ ماه اوت ۱۹۴۵ انقلاب را شروع
کرد.
اکراد روسیه نیز برای دست آوردن
حق خود، جمهوری قفقون را تشکیل
دادند که با دریا بیجان شوری ملحق شد
ولی دولت روسیه بدان مانع استقلال
کرداروی و اداری داد.
ایرودان کونیکر امپرشین کانون
های سنوی اکراد روسیه است.
کردستان اسوسی تکیه بر سلسله
بلیه در مصلحه ۷

بگم یاو پروان و غیر

سخنی چند با مادران

قلیل مدتی در کردستان بودم و دیدی و بازرسی دیدستانها
اشغال داشتم آمد و رفت من در بدستانهای سنجج تنجاوز از هفت
ماه طول کشید و در این مدت ندیده شستم بکسی طیب بهداری
برای ایصال و مدام آن سر آشکده و اول اداوارک با مادر بهداری
و هر دو باوزارتخانه های مربوطه مکاتبه مندودند گزارشها میرفت
و جوابهای موافق می رسید و کاری هم انجام نیتند.

من پیاد صحبت یکبار در بدستان پدم اتمام که روزی میگفت
امور اداری ما مصادق یک شمر معروف است که اداره یک مصرع
آرا پروارت خانه میگوید و وزارت خانه هم مصرع دوم را جواب
میدهد.

اداره میگوید: «دایر جانان من برد دل و جان من»
و وزارتخانه جواب میدهد شیر: «برده دل و جان من دلیر
جانان من»

بدون اینکه بکسی بر بگوید استعدا میکنند بر نه بهداری
و فرهنگ یک هیرستان را باوزارتخانه گرفته مصلحه فرمایند تصدیق
نهادند مثل فوق این واقع است.

از این مقدمه میگذریم، قدمی بدستان میگذریم در اینجا
کوری و کپلی اطحال جلب توجه میدهند. مادران طیفه دوم و سوم
بیهادست فرزندان خود مقید نیستند آنها را از طولیت باید خدا
میسارند و در نتیجه بیهالی باون خانه دو افسر خانوادها
کودکان کور و کپل زیاد دیده میشوند و اگر درست وقت کله
مقصر واقعی همان امدانی هستند که بچه های خود توجه ندارند.

معتاد من از فونتن سغوری چند و اذقل یک ستون از فونتن
نامه این است که با ملامت لافش خود غمدت کوشکی چیاوم
با یوان غرب بناییم و نیز از یوان و دروزیکران و روشنکر تخاضا کتم
با یونش مغالب سودند و خواهان خود را ارضایی فرمایند.

سر امروز با یوان کرمان را مخاطب قرار دادیم و دستور
کوچکی که در نتیجه توجیبات کور و دستور پزشکان بدست آورده ام
میخواهم تا آنها را بخوشی راهت می کنم.

مادران و باوان کرمان، عساکر که طفل مصوم شا در نتیجه
مانوس بودن با بچه های میلا کرمان کون میشد بیهالی نبودند
اینخونوز را حسری نگیدید و بجای مراجعه بزنان نادان بی تجربه
و دعا نویسان هوام قریب فوراً بطیب رجوع نموده و نادرین زودتی
اطفال خود را از این ورطه هیرک نجات دهید و بی جهه باین و آن
مشول نشده و بحرف خاله زنگهای مصله گوش ندهید.

۱- کسکلیف که طرف طعلی اثرات زخم میبینید فوراً پزشک
مراجعه کرده کارلا مطیح دستورات او باقیه و بدانید اگر این
مشول بلودیت مداوا نشود طولانی شده و خواب و شیم دور خواهد
داشت.

۲- طعلی را که میلا بکلی است از مسافرت با اطفال دیگر
بازدارید تا آنها نیز میلا نکرده.

۳- ظرف غذا و آب او را از سایر اعضای خانواده
مجزا کنید.

۴- لباسهای طفل مریض را مرتباً بویابید با لباس دیگران
مسلطو تناسیب.

۵- بیس از بیهودی مرض لباس و آنچه را مربوط بطل بود
شده طغنی نکرده و با بسوزاید و جایگاه او را بوسیله دارو هکای
مخصوص سردزادی کنید.

۶- کودکان خود را از ابتداء یا کزیکر خودانه تاریدنگه
امراض دچار نشوند.

۷- با رعایت این نکات، هر وقت دسر بچه اثر زخم دیده
فورا کلم زخم را با مویج های مخصوص سحر ای زخم بنشیند بخوری
که کس در سه روزه آنگاه با آب نارنج یا تطهیر دیده که
در دسترس سر دیده شود و هر روز با مویج و آب نارنج یا تطهیر دیده که
طغنی مانند مایون سویلیه شستند دیده.
اگر این دستورها را بکار بندید پی خواهید چه بچه خود را
از خطر کپلی مصوط بهداری.

بم نامی آیت الله مردخ کردستانی

کرد و کردستان

—۱۱—
(سنة اردلان)

چون خیربخت الهیاتی خان خسرو خان میرسد در ربیع الاول ۱۱۹۹ هجری با هفتصد و پنجاه سوار زنده از نیسا و صغیرین کردستان که حاضر داشته بدون فوکه یا هکنه نته بیرون میشتاد کرد که باخان که واقع در سه فرسنگی شیراست سوارها را بر پسران خود تقسیم نموده هفصد سوارا تحت ریاست یکی از پسران خود قرارداده و پنجاه سوار تحت ریاست خود میسازد.

اسدخان پسر پسر گشای با میرزا یوسف وزیر پسر میرزا مهدا الله و در پیش فراوان ترار میدهند بیساعت از شب گذشت پیش فراوان طرفین در دست اعیان آماد هم خورده دلبران هر دو طرف دادرسی و مردانگی میدهند بالاخره پیش فراوان رنگه که پسران صددرشته

یگی هم جزو آنها بوده است با شایان و زنی عقب میباشند علی الظاهر اسدخان و میرزا یوسف با اسراء و همام فراوان فرود خروغان مراجعت میکنند، خورخیده فوشان که از اقل شترن سر بر آورده از دوری اردلان چون شیربان جلو ناخته در محل ستر دلبران و دلاران درمیست و میره صف بسته خودوالی خود طلب لشکر جلای گرفته الهیاتی خان هم جلو آمده دو برابر ادوی اردلان که در مظهر همان مسافر بوده با این سیاه آرای خروح پشویه صفوف و تسنیم تقسیمات نموده توبخانه و زیورگها را در جانبین قرارداده از مینه و میره شروع فرموده میباشند.

اسدخان که باز پیش چنگ بوده دو غلام پیش تلازان رنگه کش مسک عقب کشید تا آنها چیره شده از تیرین توبخانه خارج میشود مینکه گلار بر سرفق مراد صورت بگیرد اسدخان از وسط امیر اسلان خان و صدندان از به روات هر سه برادر را با یوب جسی خورخیده رانگه در کردستان با صد مرد خدیج یک و ده یک ناخته و در حله اول با نفلتات سنجیک عقب میباشند.

اردوی الهیاتی خان که این دهات را از سیاه اردلان شاهانه میکند تلای خودداری در آن ها نشانه از هر طرف سله ورم می خورد سایر صدجات اردلان هم دیگر مجال نداده از چپ و راست بر خیزد الهیاتی خان میسازد و از کشتی و کشتی سطح زمین را گلگون میسازد زخون بلان در صف کاروان هه آردو که فیرت نو بهار

ذ تیغ بلان پس سران کشته شد ذشته پیروسی صد پشته شد چو شیر هرین همچو شرزه پلنگ یلان سنه دو مظفر به چنگ در پیرومه آن ملو به رشا یک نام جلودار خسروخان یهود الهیاتی خان می رسد او را از فراز ذین بسزمین آورده سرش را از تن جدا میسازد و فرود خسرو خان می آورد و اردوی رنگه فرامی کند.

لشکر اردلان دو قسمت شده یک قسمت متعاقب فراریان و کشتن و بسن واخره گرفتن همت یکسازه قسمت دیگر بیعج آوری همامین و بنامی می بردند و تمام توبخانه و زیور گمانه و قورخانه و انا تابه و میمات جنگی رنگه تصب فتون اردلان میگردد.

خسروخان بر سایر الهیاتی خان که شیبه و خرگه سلطنتی بوده و رو و دو صد الهک های جد میرزا علی اکبر صاحب الملک هم در صحت اوداخل سر برارنده شده منتظا بمنصون خانه میروند و در آنجا بعد از پی منته دیده یکی راس میدارد مینبند که از انا تابه سلطنتی ایافته هده است من دو قهقهه سفل کوچکی را بنظر آورده بیبیب میگذاورد و زود خسروخان مراجعت میکند.

خسروخان که از خستگی بر سبتری تکب کرده بعد از آمیگوبد توچرازی از غلام چیزی بدست یاری و صد آقا میگوید من اندر فلای ملک ناختم

ذ خدمت بنمت برداختم تملیل صندوقه و یغدها را و ابان میکند خسرو خان از چاچسته و صندوقه با طلب میکند میبندد نفل کوچکی بر آن است صد آقا میخواهد نفل را بشکند خسروخان میگوید تشکن من کلیه کوچکی در بهر دند دام بیبیب باز میکند پانه کلید را در آورده بفل میزند نفل بساز میشود.

خسروخان میگوید امروز ملوموی هود از هر جهت تنف با امات حتی کنبد مامم نفل رنگه را منع میکند. بالاخره صندوقه را سر ازین نموده ملو از جوهر الوان برده است خسرو خان جوهر الوان زده انگشتری نگین فیروزه را بفل (نگین و فیروزه) با انگشت میکند و بغیه را که بیست متوازن و دو هزار تومان بوده بعد از آن میبندد در این اثنا تسنیم اسواران بر کنته صد رقیه یکیل و صیرخان

ار سندهج از طریع حیران یوچی ناریس له حامل یاری بی عهد و وفای شرم و نازی چیزی ته گیانا خودمیکه آشام کفر و اسلامه بهم داد کشن و هوروت کچ ترا چاوی قناده دقا هر تیری هغه قنلی عام یشی هقر بواله دهوری مانگو انجم شده که دل برین داری غمی ابروته بالا نونام دست ویت دایم به خویشی ام اسیره و نلکده کی

باسی بی قنیهه و بر وازی یکبکی خوش خرام مرغی روحم که و ته دایمی زوروی ازل ام جفا و چه وده چه ا عشاقی نونا کجا تابه کی ناله دلم و ده کی له نایه و به در چالوری م م کی شمال بنی بیامی صبح و شام روزی هجری روزی روت هر وک خودمیکه خودمیکه گره کلی خود شید خراوت شو ویش روز له لام من په بولوی بالی سواتم از شمله شمی روت نامرم قوتم له شهیدی خاله تا قامی قیام

جی هدی گر و از زانی روزی جبه چاوه کم بی کوه جاسد له کردن یکیرین هدی صیام پیروه «حیران» او هدی ذوقی شری چاک نه ره به لعلی توجه آه وسته وه شیرین کلام

کلیاتی را با جسی دیگر کنت بسته وارد میکنند خسرو خان فوراً امر میکنند دست های ممد دیده یک را باز کرده آسمه اموال و اسب و اسلحه که منافع بود اسب هده را از میهاسان با گرفته و باو تسلیم میناید و نهایت عظمت و نوازش را نسبت باو مقبول میدارد و میگوید و کین «دازهر چه بگذری سخن دوست خوشتر است» قلعا پنداید.

چراهی را که ایزد بر فرود پیش از این دوندگی و تحمل جایز نیست شلوم و پلنگ و کرستان خودمان از اطمه الوان سبامان دست های کرمانشاه برتر و خوشتر است.

خسروخان پس از این تنف نمایان در همان اردوگاه حاجی علی خان هوی الهیاتی خان را به حکومت کرمانشاه منصوب و بتجلیه حکومت را برای او روانه مینماید. حاجی علی خان نیز تمامی خزاین و دفاین و کوه و روره و سایر ماینرین الهیاتی خان را هم از هده جنس و فیره کله متحاراً از مندا هزار تومان پول آسروا بوده است تحویل گرفت خسرو خان والی نموده روانه اردومی ساراد.

خسرو خان کلیه آن غنایم و اموال قدرتا در میان سیاهبان تقسیم نموده جز کاسب سواری و شیبه و خرگه و سر ابرده الهیاتی خان طبع به غافاکی نمی کنت و با نهایت سربلندی و افتخار بسته در مراجعت میکند.

دو تاریخ ۱۲۰۰ هجری جعفر خان زند برادر مادری علی مردخان که در اسپهان علم سلطنت بر افراسنت بود با تمام عیبت خود بیهان آمده از آذربایجان خسروخان را احضار مینماید چون در آن هنگام قوه و استعداد خسروخان برانبت بیشتر از جعفر خان بوده ثابت جعفر خان را کنت دانسته جواب او را حواله بیهان چنگ مینماید و روز بعد خسرو خان را لشکر گران و هسپاار هدها میسود در سنن صمد حسین خان فراگزول و صد ممدامین خان گروس و علی خان شمه را بر ذری این روز مدمت میکند. سرکردگان ملو کوی بانج هزار سوار در قریه صالح آباد بارهوی خسروخان ملعن میشوند. در دای آن روز که پنجشنبه ۲۴ شهاب ۱۲۰۰ هجری بود اردوی خسروخان وارد بیهار هدها شده بود آنگاه بانه اردوم کرت میبود روز اول پنج یک از طریقین مولایت حامل نکرده بدون تنف و شکست هر دو سپاه با رانگه خود مناوت می کنت و روادم زودت ظهر از هر دو خان شمه و ممد حسین ششان فراگزول شکست خوردن مطلق میشوند.

بنام آقای سلیمان بونسی
لیاسه حقوق

کرمانشاه متروک

- ۱۵ -

شهرستان شاه آباد غرب

تساخست تکراهای رسیده از شاه آباد غرب که درشماره های ۴۲ - ۴۳ و ۴۴ روزنامه کوهستان درج شده است می مناسبت دانستم ایلا از لحاظ تطبیق با موضوع مورد بحث تشکیل هیئت دولت را در زمان سابقان برتشر تصدیق کرده سپس باوخاص عمومی شهرستان بردارم. ریاست ستاد ایلا به آن شاهنشاه پور کزیر بنی شمس اداری ملکوتی و وزیرمرازا اولف داشته و وزیر کسیر تهریبیا مقام نخست وزیری و اداریا بوده است و ریاست و ستاد ایلا به آن شاهنشاه مستطط باناداردر عهده داشته و فرمایند که بنده نایبم شده ام. و نه نظارت و در نظریه کسیر سیاست خارجی راهم رفتن و لقی میبندم است. بهادار مقام سایر وزراء است از قبیل شاهامادریه (وزیر برداری) و «رنگان دیر» (وزیر اولف) و «ارادها مادریه» (وزیر محاسبات دربار) و «دانش عامادریه» (وزیر محاسبات سطحی) و «وزیر اولف» و «وزیر کشاورز» و «وزیر عدلی» و «وزیر دیه» (وزیر پرورش بزاد اسب و میر - آخور).

این تشکیلات معلوم معصوما کله هزاره بر مرایاد خیرهای منتشره در اقواء اداخت که میگویند در ستاد ارتش سوسیه شخصی ذمعی از پیشی پیش اقداماتی در جریان دارد که تعداد هزار قبضه تفنگ گرفته شده است. آیداد غرب فرستاده شد و کلی گویا بواسطه تنوع فرماندهان آیداد ایلا امر به تعیین ایشان و خواجه ایلا اقواء مقام مزایای بوشالی و بیانی هم شش شده است.

پس از آنجایکه میبایم معلوم روزنامه کوهستان این است که بنود روش نظر کزیر بنی شمس از حق حقیقت پشتیبانی کله وجهیه - نظارت و روشن نمودن ادعای عمومی کلیه اطلاعات حاصله را در مرض شفاقتی عامه قرار میدهند اجاره می خواهم که نظارت خود را بر نظارت ازمعت و شمس موضوع فوق که در اغلب جرایمه تهران منضم شده، در اینجا ذکر نمایم معصوما از کلیه معلولین نسبتا دارم آنها هم از اظهار نظر در این موارد تسامح ننوده بنوی خود کوشا باشند که مفلح و روشن و آیداد که بنفع ملت و دولت است بوضع اجرا گزارده شود.

بنظر اینجا بامرود که کشور محتاج اتفاق و یگانگی و وحدت است شایسته است که از فرمایشات خصوصی و منافع اختصاصی مردم نظر شده و در ایجاد اتحاد و تضامین منافع عمومی ملنگزیر کسی بقدر وسع طاققت خود بنیت بخرج بدهد تا کشور

را از این گرداب هلاکت رهالی بکشند نه اینکه منفذین از قومیت خود سوسه استاده کنند و دولت را در مسطورهای نوق الطاف گدارنه و راه اصلاح را با دشواریهای لاجوجانه خود مسدود نمایند. مثلا آنسای خسرو آبادی که ملقب در ستو وزارت کشور پس از احتضار شده است عوض توملیه تلگراف های خداد و غلاظ ضرب بود از یک پیکر وزیر صالح کشور سر بیچی تسایب زیرا با دعای ملکی سخته فرزند و نه شایسته است که دولت را در مشغله انداخته و نه ملاحظه است که پس از اجرائ بنام فرماندار شاه آیدادگرانهای معاره نمایند زیرا طبق قانون ملیاتی اینگونه نه اعمال قابل تحقیر و برای مرتب مجازاتهای شدید پیش بینی شده است. وطریق وجدانی ما را و اداریا سیکر لظاظ آبادی که بنام کرمانشاه متروک ساخته شد و میبایم در نظر گرفته شود و این را بنویسند که برای چه در آن آباده پائینم خوانده است. خسته نگردد خواندنی اگر چه در بیان کزیر بنی شمس زیاد است و لالی لظاظ انتشار اعلام سلام فلا دیاله ایتوسوع را وقت و دیگر گوا گذشت و دیاله سلسله مناللات گذشته را که بویط باوخاص عمومی شهرستان شاه آباد غرب است ادامه میبیم شهرستان شاه آباد غرب یکدیگر از شهرستانهای استان پنجم است ازشال گرفته شده است و روانس را از حزب بهارستان از مغرب به باطن و از مشرق به کرمانشاه معصوماست این شهرستان سابقا هارون آیداد نام داشته است و دهستان گلارون روی پیش بوده است امروز آیداد ایلا این شهرستان تقریبا دهستان ۱۳۰۵ پائینترف شروع شده و چون در روی اشتغال جاده های نصر شیرین و سکر ماشاوم ایلا بنیت گردیده مدارا اهمیت غامض است.

شاه آباد غرب در حدود شش هزار نفر جمعیت دارد و اکثر مردمان مسکون این شهر به ضاعه جیلا به مالاریا میباشد و علت ابتلا آیداد آن بواسطه وجود رود غاب است که از وسط شهر میگذرد و علت هم توجه طرفداران این رودخانه مرداب های احداث شده که بششوی تسایب مامل مالاریا کومک فراوان مینماید و مسافانه وزارت بهداری هم کوجکترین اقدامی برای ششکایابی این باطنها و درنهم حاصل خاناسوز نیسیامی و معلوم نیست چرا اولیای این روزگاران بتائین بهداشت شهرستانهای غرب ایراندور بیلانمست. بنظر نگارنده میبایم این وزارتخانه راهم مانند برخی دیگر از آیدادهای دولتی تک ملی مشوق باشد. زیرا بطوریکه

تلگراف ادراکرمانشاه

جناب آقای نخست وزیر... و نوبت روزنامه کوهستان توجه آن مقامات عالی و ارشاده ۴۲ روزنامه کوهستان معطوف و معروض میبازد خسرو آبادیان فرماندار سابق شاه آباد که در نتیجه تسدی و عدم شایستگی فرمانداری شمع شده با معارفه تلگرافات اهات آیداد بامضای ما ستانگی در عهد است اذخسان و مشوب و قدرت خود را بر خهیت مستزم دولت بکشند با اینکه معنی است حکم انفصال اولف غده سپهساله اینکه روسای ششبار من حرکت او بپهران شده است بنویسند که فرماندار شاه آباد بنیون فرماندار مکتوب و ملاحظه میبکنند. هر یکس که بنویسند نیست که خسرو آبادیان در مدت کوتاه فرمانداری خود بر ایجاد اختلال و خلاف کاری نکرد و بنیون من مرتع و هلاکت نامشروع فکر معما هزار زبان با فشار و تهدید مردم پول گرفت و دلیل این معما برولده های کبیری است که با نام او نزد آقای مینش بزایرس دیوان کبیر تشکیل شده است. هکسی هشدار این ناحیه جامع اصلاح آورد با مسرت تانی کرده اند و کسی مایل از حرکت او بپهران نشده است. استعفا دادند فرزند نرمانیه و باطنهایمان و با نظاریه او در قضا رسیدگی شود تا لایا رسیدگی و معلوم شود اشخاصی که اشتغال آنها بدوین تلگرافات اخیر و دیده میشود که امیکه تلگرافات را حقیقتا امضاء کرده اند و چه شخصیتی دارند تا آنرا رسیدگی معلوم شود که درجه قطعی از کرمانشاهان روسای مکتوب از حکومت او بپهران شده و این روسای مکتوب ششبار چه اشخاصی بوده اند.

حاج حسن آلف. حاضری مکتوبه ایلا به ایلامی. ایلامی با صبر است. بیان باید آید. منوچهری. فرج با منوچهری. تاسم منوچهری. مرضی منوچهری. مسعود فروزی. منظر فروزی. کریم فروزی. موسی تربیتی. منشی زاده مشرفه آیداد. کاظم منوچهری. محمد علی منوچهری. حدر علی شهبازی. عبدالصمد منوچهری. حاسی علی منوچهری. قلام منوچهری. هاشم شهبازی. احمد شهبازی. اسان آلف شهبازی. یون شهبازی. نبی منوچهری. رشاد شهبازی. رئیس طبخانه نعلالی گلارون. برویه آقا منوچهری. کزیر دادگاه ایلا. جواد منوچهری. جهان بخش عوزاق. سنجاریوش سفید و سرپرست منصوری. امین آلف ناصر. آقا سفیدی منصور. حیاتانی آکبر. زاهدان مغربی. سلیمان زاهدان حیان علی آکبر. رشیدی ابوالحاج دهبان حیان. حیان اسد سفیدی دهبان حیان خسرو خسروی دهبان حیان.

آقای رسمی

برای کنسواد و هم پرودی و پرورش طیور و مساللات بازرگانی شرکتی بنام شرکت نسبی مهدی طبیبی بوشهری و شرکاه فروزان چهارراه گت پاساژ ساتین باس مایه سید هزار دگل بین آقایان مهدی طبیبی بوشهری و مهدی اردلان و نعلالی. در تاریخ ۲۴/۱/۱۳۱۷ برای مدت پنجسال تشکیل و در تاریخ ۲۴/۱/۱۳۱۷ بشماره ۲۱۹۹ به ثبت رسیده است مدیریت و حق امضاء به آقای مهدی طبیبی بوشهری میباشد.

تهران مورخه ۱۰ بهمن ماه ۱۳۲۴ در شهر ثبت شرکتها

در مقالات پیش هم مذکر شدیم در هیچیک از شهرستانهای غرب ممانه کرمانشاه شده است. فراموشی و بخش های تابع آنها را گلران. سربل زهاب. کزیر و لیره اقدام اساسی برای تأمین بهداشت عمومی شده است. این وزارتخانه تسدی پیش مبلغ سنگینی از بودجه کشور را بجانان خلق بدهد. بزرگ که مورد توجه ملت باشد است. باید معده بود اینگونه از آنها کزیر جناب آقایان حیات است. سوز و خوارگی از آن آقایان بیچیز به حاضر بیستنه که پال مرکز قرارتربسته و آچالی هم که حاضر میشوند بشهرستانها و جزده فعلی که متذوقین خدمت خلق است، اکثر موش کرمه بهداشت عمومی بگردن کزیر جناب خود مفلح نشود خردارو هاییکه برای معرف بیادان بچهاره و بیابا به ولایات سرساده میشود بنفع خود بدهد. داد و فروش متعمر و خشان با دستهای غیر مرئی بفروش میرانند.

ترجمه جیب

تألیف ادیبه فرانسوی-لوسی پرل مار گریب
و دکتر کله پ

فریسی در شعر و ادبیات کردی

چنانچه بخواهیم منطقه را که منشاء زبان های آذربایجانی است تعیین کنیم می بینیم که يك نشت از کوهستان ترکیه - عراق و ایران واقع جاده های بکروغراشان را از ما بگذرد.
بين زبان کردی و زبان های آذربایکی نشت مشترک و منشاء صمیمه موجود است که چند نمونه از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم (۱)

گر که دارای تمدن قدیمی میباشد که تاریخ ظهور آن از پنج هزار سال پیش از میلاد شروع میشود و در آن دوره فارسها در اقلیم تمدن بزرگ زردشتی یا کرهاش کرت میبودند (۲)

با ظهور دیانات اسلام در قرن هفتم این دیانات برادری و برابری مسلمانان را بدون هیچگونه فرقی و تفاوتی بین ملت ها اعلام نمود و در نتیجه عربی و ترکی آمیخته ای - عیسی - مسیحی و شکی نشکست متون انحصار دینی از احساس و ملول ملال منصفانه محکم هر ب - کرد - ترک - آلبان - چرکس و غیره استفاده میشوند

همه و رحمت دینی مانع از تصور بعضی عقل انسانی و ایجاد ملت آلبان نگردید.
تاریخ نشان میدهد که این ملل در مقابل بعضی تنبلیات که با آداب و سنن ملی آنها مخالف بود مقاومت نموده و بعضی خود که در اثر تجسسی گذشته های خود تحت تأثیر سوابق تاریخی و مخصوصا ادبیات قومی خود ملی خود را تجدید نمودند.

قبل از خاتمه قرن دوم در میدان پیشرفت و انتشار ادبیات کردی به سبب طغیان و پیوسته گسان مصادف میشود - ۱- آلبانیکه زبان های کردی - فارسی - عربی و ترکی جز نوشته و فقط روابط دینی را در نظر داشته و رابطه ملی را اهل نموده اند.

۲- آلبانیکه زبان کردی مخصوصا در موضوع های منتخب و ممتاز جز نوشته اند.

۳- آلبانیکه زبان توده و برای توده یک نوشته اند. این طبقه اخیر نظم کردی تپتایی با هفتی باسکال

(۱) نویسنده کتاب چند نشت مشترک و منشاء از زبانهای فرانسه و ایتالیایی برای توده ذکر نموده بود و چون زبان کردی از این حیث بر زبانهای اروپای هسانی و دست زومانی و اسلاوی بیشتر در یک است و مترجم فقط در زبان انگلیسی قریب با صفت نشت مشترک و با منتقد از یک رشته مشترک با زبان کردی برخورداره و این موضوع قابل بحث جداگانه است ، از ذکر نشت مترجمه در متن کتاب صرف نظر نمود.

(۲) گویا موالف از اینجا واقع بر زبان زردشت تابع تاریخ سنتی و بعضی از مستشرقین مانند رست هرندل که که زمان زردشت را تا قرن پنجم پیش از میلاد یابن آورده و این نظریه امروز مردود است و عقیده یزدیک با بعضی زمان زردشت را بین قرن دوم و چهارم پیش از میلاد قرار میدهد. م. تم فرخود که گویا موالف مطالبی کتف نموده است که بموجب آن نظرها زردشت قبل از دوره سلطنت ماد خواهد بود و از آن پائین تر فرماده خواهد بود.

(۳) گویا موالف از اینجا واقع بر زبان زردشت تابع تاریخ سنتی و بعضی از مستشرقین مانند رست هرندل که که زمان زردشت را تا قرن پنجم پیش از میلاد یابن آورده و این نظریه امروز مردود است و عقیده یزدیک با بعضی زمان زردشت را بین قرن دوم و چهارم پیش از میلاد قرار میدهد. م. تم فرخود که گویا موالف مطالبی کتف نموده است که بموجب آن نظرها زردشت قبل از دوره سلطنت ماد خواهد بود و از آن پائین تر فرماده خواهد بود.

(۴) گویا موالف از اینجا واقع بر زبان زردشت تابع تاریخ سنتی و بعضی از مستشرقین مانند رست هرندل که که زمان زردشت را تا قرن پنجم پیش از میلاد یابن آورده و این نظریه امروز مردود است و عقیده یزدیک با بعضی زمان زردشت را بین قرن دوم و چهارم پیش از میلاد قرار میدهد. م. تم فرخود که گویا موالف مطالبی کتف نموده است که بموجب آن نظرها زردشت قبل از دوره سلطنت ماد خواهد بود و از آن پائین تر فرماده خواهد بود.

دا داده شماره ۹۹۰

تاریخ ۲۱/۸/۵۹ خ رنم سر دادخواست تجدیدی آقای سید علی محمد روحانی بولکات از سروان طاهر نویسی - ساکن قروه سنه آباد بطریقین علی جان هیدل جمهوری ساکن ده کده سوله بلوک چهارم دولی بخواسته اعتراض ثبت چهار شیر ولیم اودمکه سوله اوزبکات بیلگه بیکوار و بنا صه و بنال بستنه رو نوشت انتقال نامه مورخه ۱۲ رجب ۱۳۵۳ مطابق با ۳ ماه ۱۳۱۳ بوضع اینکه چون سابقا دادخواستی بعنوان بزواغاهی بر دادخواست ثبت و اول غنوه نسبت بچهار شیر ولیم از شدناک قریه سوله بلوک ۲۰ تقدیم کرد اخیرا فرار در دادخواست صادر شده بانک مطابق ماده ۱۹ از قانون ثبت دادخواست مذکور را تجدید احضار و رسیدگی و معذور دانامه بر بطلان و خلع بی او از مورد درخواست ثبت مورد تقاضا است که دادخواست نامبرده تحت شماره ۲۰۲/۱۷-۴۹ ثبت دفتر دادگاه بخش کردستان شده پس از اعلام تشریفات مقدماتی تبیین وقت احضار طرفین مربوطه تجدید بی چند جلسه احضار و خوانده به وقت معلوم بدون عمل فقامت متنازله و بسبب مجله روزنامه محب تنهاضی و اخوانه انتشار افادت دادخواست در مجله روزنامه ستاره وصولی شماره های مورد ایاز تبیین وقت بسلامه تاریخ بالا داده بخش کردستان ب حکومت جنوبی عیسی و در مقابل طرفین تشکیل با بقیه بلائنه و کبیل خواهان حسب تقاضا ثبت و اعلام دادوسی اعلام بشرح زیر میباید:

۱- نظر رایبیکه رونوشت انتقال نامه مورخه فواز دهم رجب ۱۳۵۳ استنادی و کبیل و خواهان اشعار دارد که چهار شیر ولیم متاع از کله شدناک فرسوله با وجب صلحت در مقابل مبلغ یک هزار و دویست ریال از طرف ترلان خان با آقای طاهر نویسی منتقل شده است چون و خواننده پس از طرح شدن دعوی از طرف و خواهان از نظر معلوم بودن اوقات اقامت و سبب مجله روزنامه ستاره به اطلاع دادخواست دعوت شده است پس منازله را بپرونده دادخواست از وقت حاضر دادگاه شده و تقاضای کتبی نیز از جانب متنازله رسید است و با توجه به استنادی و خواهان معجزی بدخواست ثبت و اول غنوه نسبت بچهار شیر ولیم از قریه سوله بنظر نرسیده میاید با بررسی محتویات حکم ابطال در خواست ثبت ملیجان هیدل جمهوری و خلع به منازله نسبت بچهار شیر و نیم از قریه سوله داده میشود.

رای نسبت بخواخوانه غیبی و در موافقت با نایب خواهی و پژوهش است -
رای دادگاه بخش کردستان - اشعار غیبی - مهر داده بخش کردستان - بر اساس اصل و دستور ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی در روزنامه کوهستان درج نمیدود فقط بکسرته و مدت ۱۰ روز است .
مدر دقت در حکم بخش کردستان - صالح طاهانی

آقای حکم و در خواست

بشاریخ ۱۵/۸/۱۳۲۱ - آقای سید اده نالی بولکات از طرف آتامان گلپیان با ستاد یک برک گواهی خواهی و رونوشت نشاننامه دادخواست شماره ۶۶۷۲۴/۱۳۲۱/۱۵/۸/۱۳۲۱ باینکه مرحوم بوسلف کبلیان دارنده نشاننامه شماره ۳۱۹۸ صادر از کلان در تاریخ ۲۴/۵/۳۱ در طرابزون جایگاه همتیکه خود وفات یافته و آلبان آتامان گلپیان به نشاننامه شماره ۳۱۹۸ از کلان موسی کبلیان بشاننامه شماره ۳۱۷ از کلان فرزندان ذکر و بانو سحارسی کبلیان بشاننامه شماره ۳۱۹۸ از کلان هیال دادسی موتوفی و بانوان نورنارین و ملکی جانو ایران دختران موتوفی که در زمان حیات پدر بخانه خوهر رفتند و فوتیگر گان قریه بشاننامه شماره ۳۱۹۰ و خام نشاننامه شماره ۱۰۵۰ و غیرت بشاننامه شماره ۱۳۹۸ صادر از کلان که هنوز شوهر اختیار نیکرده انوارن مترشح میباشد پس از تبیین گواهی گواهان مراتب ۱۰ ثبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور خلعنامه و رونوشت کوهستان بیکار میشود . که گشتن مذکور . سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و بپس مترشح بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی متقاضی از موتوفی داره در طرف مدت متروا بر ازل و الا هر صورت نامه ثبت و از رسمی و سری اسرار خود را درجه اعتبار سابق خواهد بود . ولجی شمه ۴ دادگاه بخش طبران - مهدی شیراد

کوهستان

نتیجه انتخابات انجمن و لایحه ستندج
گزارش تکرانی نمایندگان کوهستان از ستندج ماسی
است که نشر نمایندگان انجمن ولایتی ستندج به اکثریت پنج
دیل تصاحب شده است :

- ۱ - آقای رضا آصف
- ۲ - حاج سید محمد شمس لاسلامی
- ۳ - عباس آزادپور
- ۴ - آیت الله
- ۵ - حاج مشیر دیوان
- ۶ - ذیل تصاحب شده است :

اگر شمس باوضع شهرستندج واقف باشد و صورت مشخص
انجمن ولایتی آجبارا مطابق فهرست فوق ملاصحت نماید بی اختیار نور
اسیدی در قلب خود احساس نوحه آتیشه لبه روشنی برای این
شهرستان پیش بینی خواهد کرد.

اگرچه بخت مسعود برونه و تاثیر پست گزارش مشروح
چریان انتخابات آجبارا هنوز با رسیدن اول ملاصحت صورت اسامی
متخبین نشان میدهد که مردم سر خلاف مسول، دواین انتخابات
ملائندانه فرستخت چستنه و درنمین نمایندگان خود آزادی صل
دافته اند.

اشخاصیکه به انجمن ولایتی شهر ستندج تصاحب شده اند
هوما از اشخاص مورد اعتماد ملاصحت مردم بوده و مقامیون گمت
تجانیان مودارنه و چنین ترکیبی از اشخاص موردعاطفیان مردم جای
بسی امیدواری است.

ماتیز به یوه خود بسیار خوشوقتیم کلام گسانی را بستان
نمایندگان انجمن ولایتی ستندج از نظر خراشندگان میکنگاریم که مورد
اعتقاد خودمان نیز میباشد و میباید این اشخاص دلسوز مردم هستند و
ملائندانه تا اینجا که حضور داشته خدمت نمایند.

لذا با نظار حسن نیت نسبت به متخبین انجمن ولایتی ستندج
امیدواریم بزودی آقایان خود خود اختیارات وسیع که قانون انجمن
های ایالتی ولایتی برای آنان مینموده برضای تیبی و عمر چاره و
تردمت با اصلاحات ساسی برونه و نیز لازمی میباشد هموم علائقدندان با اصلاحات
کردستان را به همکاری میبانه با این زمین دعوت نموده و یوا دیگر
تذکره دیم :

حال دیگر وقت آن است که درصیقلی صیانه همکاری سوم
آغاز کرده و هرکس بسیم خود خدمت مفیدی که میتواند انجام دهند.

آر شیرزه ستزی

پادامثال کردی منظوم

پیشانی آهین که ریش هر ریش
کسی نوستوی به حق بی به شه
این دومی کیران کرد به یوزباشی
له پیشدا سری دایکی خوی تاخی
نایب هر چند که وودی مطلقه
سری ملا بی ، ژیری مفرقه
به که نوآوری وبه کورخان ربه
که وره کارا کاو چوک ژیرشه به
چونکه گت له خون نانی هم که وره
صلوات اذین هو به ده وره

برای نماینده اشترال و صرفی، ملائقدندان ساکن گیلان و غرب و
اطراف آن میتوانند بنیانه دهمه کوهستان آقای بدافه رضای کهر
مرابه نمایند.

« سیاست زبان »

بزه از منزه ۱

کلیه افراد جهان ایرانی
هستند، همه آن ها باید با ما
دست را دردی بدهند، کلیه باید
در آوای پرچم ایران بزرگ پسر
افتخار ترین زندگی را داشته
باشیم.

امروز اگر میتوانید در بعضی قلم
کردستان ایران مرد مطالب خودمخاری
هستند، این ها را منع ننهید زیرا آن ها
از این حملتها بنگ آند، انه، هر چه
مریاد میتکنه کسی بفرمان گوش نمیدهد
چه گفته تا کی تحمل کند، بجه انتظار
تحمل کنده؟

باین انتظار که یک دانشمندی
اندام گنه و پیشنهاد نباید چون دولت
معتدی بنام ترکیه درجهان وجود دارد
آذربایجان می درمعرض است تا کی خواهد
و چون فرد پشتیبانش دولت فوری کرد
بست دولت دربار، آه پایاستی نسی توانه
داشته باشد؟

این پشتیبانی چه؟ پنی کردها
اگر بیل دارین فرزندان افلا درمعرض
ایند می کردی بخوانند باید بگویند یک
دولت فوری کرد پشتیبان شا باشد.

حان دلیل که شاریان مجاز دانش تحصیل
یونان ترکی اقامه میکنند و میگویند پیچون
زبان رسمی دولتی قری است همان دلیل
خودرد کنده و پیشنهاد شا خواهد بود
و سانسور شامخ در سرحدات برای جلو
گیری از ورود کتب و مجلات تبلیغی که
بجای ایران مضر باشد بجای نهاده وسید

و دیری نخواهد پاید که حایه پان تورا
لیم در آذربایجان هم کلرگ شه دعوانت
و نتیجه آن هم قابل پیش بینی است مخصوصا
اگر امثال دولت های گذشته درودمده گراسی
زدام ملکت را در دست داشته باشند ،
آذربایجان خواهد رفت.

حال بنظر این آزادی زبان کردی
برای ملکت ما چه خواهد بود؟
چون کردستان مستقیم و بدون دلدرد

تحصیل زبان کرده خطری برای ایران
از لحاظ ارتزاج فستی از ملکت نخواهد
داشت بلکه بالعکس تبلیغ زبان کرده
در کردستان ایران باعث خواهد شد که
غوا و ناشور، توجه افراد دیگر جهان
بایران جلب شده و اگر این تبلیغ پایه
سیاست اصلاح طلبانه دوران بیخ نام
باشد بهیچ نیست که میباید دولت
و راه ایجاد پک ایران بزرگ پسر حله

قطعی برسد زیرا اگر ایران بجه
مندی برچود آید و دولت مستقل کردستان
وجود نداشته باشد تقاضای نایل اگر
جهان بزرگ پسر در زیر پرچم ایران
بزرگ پش ار قبول نیست هر
دولت دیگر : ترک یا عرب میباید

برای اینکه طرف دیگر تفه و نام
بررسی کرده باشیم فرض میکنیم کردستان
مستقل موجود آید در این - لی چون این
کردستان دولت جوانی است خواهد بود
هم در مصرف و تشکیلات و مضام بودن نمود
داخلی خود خواهد شد و مندی مطلق خواهد
داشت که دولت بیرونی شده و لاسلام

حاشی ترکیه را دارا کرده، در گردید
دار این مضمات ایران بهترین فرصت را
برای جلب توجه این دولت جدید داشته
و میتواند از آن دولت مانده یک دولت
کوت و بیسارمیوسی و هم زیاد استفاده
کند و سپاریا و میوسی تا دوی آن
وجود چند ملیون کرد در ایران
مراتب مودت و تحکیم مینماید بنا
براین کردستان مستقل لی نه تنها برای
ایران مضر نیست بلکه در هر حال مفید
ست.

بنظر ما موضوع کردستان بسیار مهم
است و بسیار بسیار مهتر از آن است
که مثلا آقای اقبال تصور فرموده و ولی
چون نظرها ربع شبه از نگارنده مشتم
مقاله و سیاست زبان و خواننده کان آن
متوجه بودن دولت بود فلا باین مختصر
تذکرات استکفانه نموده ولی در موضوع
کاجایاب نباید از توضیحات بیشتر در این
موضوع خودداری نسویم نمود

آگهی

صندوق پست آنداز ملی مبلغ ۰۰۰،۰۰۰ ریال (یکلیون و پانصد
هزار ریال) بستان جایزه بطور قرعه بین دارندگان حساب پس انداز ذخ سال
جری تقسیم مینماید.

جایزه اول ۰۰۰،۰۰۰ ریال (یکصد هزار ریال) است
کسانیکه بخوانند از مزایای پس انداز استفاده و در قرعه کشی آن شرک
نمایند بایستی تا قبل از پایان سال در تهران صندوق پس انداز ملی بابهای
شهری و در شهرها و شهرستانها به شعبه نمایانند کههای بانک ملی ایران مرابه
و برای خود و فرزندان حساب پس انداز باز کنند

جای اداره : خابان پهلوی شماره نشن : ۴۹ - ۸۵
چاپخانه کشاورزی
لش ۴۷۸۷